

جنایت علیه بشریت و نسل کشی در ایران همچنان ادامه دارد - گردآوری

عباس منصوران

در ایران، جنایت‌های حکومتی همچنان ادامه دارند. اسنادی از جنایت علیه بشریت و نسل کشی در ایران را پی می‌گیریم.

شیوه‌های انجام این جنایت‌ها به وسیله‌ی، کم و بیش همانند گذشته اما شدیدتر و پیچیده تر شده‌اند.

1 - گروگان‌گیری پدران و مادران و نزدیکان کشته شده‌گان به دست

رژیم، به هدف پاک کردن صورت مسئله، جلوگیری از افشاگری‌ها و اعتراضها،

2 - بازداشت افراد و احضار و آزادی موقت، و قتل آنها در فاصله‌ی

کمی پس از آزادی، و اعلام «خودکشی»‌های پیاپی یا «مرگ مشکوک» معترضان پس از «آزادی.»

این سیاست سیستماتیک، مصداق آشکار جنایت است.

بااوج گیری جنبش زن، زندگی، آزادی در سال ۲۰۲۲ این رویکردجنایی در دستور حکومت اسلامی قرار گرفت.

خانم طیبیه نظری، مادر خانم مریم آروین، وکیل جانباخته‌ی پایه یک دادگستری که در پی بازداشت به افشاگری تازه‌ای پرداخته است. مریم آروین، وکیل بازداشتگان جنبش، به فاصله کمتر از دو ماه پس از آزادی در تاریخ ۱۷ بهمن‌ماه ۱۴۰۱، ۶ فوریه ۲۰۲۳ به طرز مشکوکی جان خود را از دست داد. مادر این وکیل آزاده- روز دوشنبه هشتم خرداد ۱۴۰۲، ۲۹ می ۲۰۲۳ با انتشار متنی در حساب اینستاگرام خود سکوت خود را شکست و اعلام کرد که: علت مرگ دخترش وقایع رخ داده در جریان بازداشت بوده و به بهانه «آرام‌بخش و مسکن و تقویتی در زندان و وصل سرم» دخترش را «نابود» کردند.

خانم طیبیه نظری روز دوشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۲ / ۲۹ می ۲۰۲۳ در حساب اینستاگرام خود نوشت به دخترش مریم آروین که به دلیل دفاع از موکلانش بازداشت شده بود، به بهانه آرام بخش و مسکن و تقویتی، در زندان سرم وصل کرده و او را نابود کردند.

طیبیه نظری افزود پزشک زندان در نامه ای آسیب هایی که به مریم آروین رسیده بود را تأیید کرده است.

طیبه نظری همچنین تاکید کرد که یک هفته پس از مرگ دخترش، شعبه ۱۰۳ کیفری، حکم غیابی ۱۵ ماه زندان، یک میلیون تومان جریمه، و ۴۰ ضربه شلاق نیز برای خودش صادر کرد که بعداً تعلیق شد.

طیبه نظری همچنین به شرح خشونت در بازداشت پرداخت و افزود: یک مامور زن به نام زهرا علیزاده معروف به «مبینا» به همراه مامور اطلاعات نیروی انتظامی به نام حمید زیدآبادی مریم آروین را در راهرو دادسرا دستبند زده و مقتعه او را درآوردند و او را روی زمین کشیدند.

خانم طیبه نظری که در دبیرستان های سیرجان ادبیات تدریس می کند نیز پس از پیگیری وضعیت دخترش بازداشت شد.¹

سارا تبریزی؛ همبندیان زندانی سیاسی سابق می گویند «مسئولیت مرگ او با حکومت است»

۱۱ فروردین ۱۴۰۳ - ۳۰ مارس ۲۰۲۴

خانم طیبه نظری روز دوشنبه ۸ خرداد ۱۴۰۲ / ۲۹ می ۲۰۲۳ در حساب اینستاگرام خود نوشت به دخترش مریم آروین که به دلیل دفاع از موکلانش بازداشت شده بود، با دادن موادی، زیر نام «آرام بخش و مسکن و تقویتی»، در زندان به سرْم وصل کرده و او را نابود کردند.

طیبه نظری افزود پزشک زندان در نامه ای آسیب هایی که به مریم آروین رسیده بود را تأیید کرده است.

خانم طیبه نظری مادر وکیل انسان دوست کشته شده، همچنین تاکید کرد که یک هفته پس از مرگ دخترش، شعبه ۱۰۳ کیفری، حکم غیابی ۱۵ ماه زندان، یک میلیون تومان جریمه، و ۴۰ ضربه شلاق نیز برای خودش صادر کرد که بعداً تعلیق شد.

طیبه نظری همچنین به شرح خشونت در بازداشت پرداخت و افزود: یک مامور زن به نام زهرا علیزاده معروف به «مبینا» به همراه مامور اطلاعات نیروی انتظامی به نام حمید زیدآبادی، مریم آروین را در راهرو دادسرا دستبند زده و مقتعه او را درآوردند و او را روی زمین کشیدند.

¹ <https://ir.voanews.com/a/pakhshan-azizi-a-journalist-in-evin/7348011.html>

خانم طیبه نظری که در دبیرستان های سیرجان ادبیات تدریس می کند نیز پس از پیگیری وضعیت دخترش بازداشت شد .

مرگ سارا تبریز

سارا تبریزی ۲۰ ساله دانشجوی؛ همبندیان زندانی سیاسی سابق می گویند «مسئولیت مرگ او با حکومت است»

۱۱ فروردین ۱۴۰۳ - ۳۰ مارس ۲۰۲۴

چند نفر از همبندیان سارا تبریزی، دختر جوانی که چندی پس از آزادی از بازداشت در شرایط نامعلوم درگذشته، می گویند مرگ او «به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است».

در این نامه، که چند زندانی سیاسی سرشناس بند زنان زندان اوین آن را امضا کرده اند آمده است که در یک هفته ای که سارا تبریزی در بند زنان بوده، او را وحشت زده و عصبی دیده اند.

بر این مبنا خانم تبریزی از تنهایی خود در سلول انفرادی تعریف کرده و «وحشتش از عملی شدن تهدیدهای بازجو» و به گفته او بعد از سه شب بازداشت در سلول انفرادی بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات، «از شدت ضریان قلب و حمله های عصبی به بهداری منتقل و بعد از تجویز پزشک به سلول چند نفره برده شد» اما همچنان در بازجویی تحت فشار بود که اگر «همکاری» نکند به سلول انفرادی انداخته می شود.



ایران اینترنشنال گزارش داد که توهین به علی خامنه ای در کنار تلاش برای استفاده از گذرنامه و مدارک جعلی از اتهامات سارا تبریزی بوده است.

بر مبنای آن گزارش، خانم تبریزی تهدید شده بود که در صورت عدم همکاری با وزارت اطلاعات شاهد انتشار محتوای خصوصی که در گوشی موبایلش بوده خواهد بود.

ایران اینترنشنال روز پنجشنبه، ۹ فروردین ۲۸ مارس ۲۰۲۴، در گزارشی اختصاصی خبر داد پیکر سارا تبریزی نوجوان ۲۰ ساله، زندانی سیاسی سابق، روز پنجم فروردین ۲۴/۱۴۰۳ مارس ۲۰۲۴ در منزل پدری اش در تهران پیدا شده است.

این زن ۲۰ ساله در هفته‌های پایانی زندگی از سوی ماموران امنیتی زیر فشار روانی سنگین قرار گرفته بود. او چهارم فروردین ۲۳/۱۴۰۱ مارس ۲۰۲۴ به وزارت اطلاعات احضار شده بود.

مرگ سارا تبریزی چندمین مورد از درگذشت بازداشت‌شدگان پس از آزادی است که در شرایط مبهمی رخ می‌دهد.

دختر نوجوان، یلدا آقافضلی در سال ۲۰۲۲ یکی از معترضان بازداشتی اعتراضات «زن، زندگی، آزادی» بود که پنج روز پس از آزادی جانش را از دست داد. در حالی که برخی رسانه‌ها از خودکشی این زن جوان نوشتند، انتشار یک فایل صوتی از خاتم آقافضلی که در آن از ابراز پشیمانی نکردن شادمان بود بازتاب فراوانی داشت.

علاوه بر این موارد قابل توجهی وجود دارد که زندانیان در حالی که در بازداشت و تحت مسئولیت دستگاه‌های قضایی و امنیتی هستند جانشان را از دست می‌دهند. در مواردی شواهدی از شکنجه وجود دارد و در مواردی نیز علت مرگ مبهم است.

چند زندانی سیاسی سرشناس بند زنان زندان اوین همچون نرگس محمدی، ناهید تقوی، آنیسا اسداللهی، سپیده قلیان، ریحانه انصاری‌نژاد، محبوبه رضایی، مریم حاج‌حسینی و گلرخ ابرایی در نامه‌ای شرایط حبس سارا تبریزی در زندان را تشریح کردند.

زنان زندانی که حدود یک هفته با سارا تبریزی همبند بودند در نامه خود نوشتند در یک هفته‌ای که سارا تبریزی در بند زنان بوده، او را وحشت‌زده و عصبی دیده‌اند.

متن این نامه در اینستاگرام نرگس محمدی هم‌رسانی شده است.²

در نامه زنان هم‌بندان زندانی سارا تبریزی آمده است: «یک هفته در کنارمان بود... بعد از سه شب انفرادی در بند ۲۰۹ وزارت اطلاعات از شدت ضربان قلب و حمله‌های عصبی به بهداری منتقل و بعد از تجویز پزشک به سلول چند نفره برده شد. از فردای آن روز در اتاق بازجویی تحت فشار قرار می‌گرفت که در صورت عدم همکاری به شرایط قبل برگردانده می‌شود».

هم‌بندان سارا تبریزی، از جمله نرگس محمدی، ناهید تقوی، سپیده قلیان در ارتباط با وضعیت سارا تبریزی در زندان نامه نوشتند. آنها می‌گویند مرگ سارا "به هر شکل و تحت هر شرایطی که رقم خورده باشد، مسئولیت آن با حکومت است".³

در بخش دیگری از این نامه گفته می‌شود که سارا تبریزی دختری ۲۰ ساله قصد داشته است ایران را ترک کند. زنان زندانی گفتند: «اگر سارا در جامعه‌ای آزاد، بدون سرکوب و بدون تبعیض، ستم و استعمار زندگی می‌کرد، نه تصمیم به ترک کشور می‌گرفت و نه دچار چنین پایان تلخی می‌شد.»

پیکر بی‌جان سارا تبریزی روز پنجم فروردین ۱۴۰۳/۲۴ مارس ۲۰۲۴ در شرایطی در منزل پدری او در تهران پیدا شد که او تنها یک روز پیش از آن در چهارم فروردین ۱۴۰۳/۲۳ مارس ۲۰۲۴ به وزارت اطلاعات احضار شده بود.⁴

² <https://www.dw.com/fa-ir/زندانیان-سیاسی-زن-حکومت-را-مسئول-مرگ-سارا-تبریزی-خواندند>

³ <https://www.dw.com/fa-ir/زندانیان-سیاسی-زن-حکومت-را-مسئول-مرگ-سارا-تبریزی-خواندند>

⁴ <https://www.bbc.com/persian/articles/c98r2pzy11xo>



آرش (میلاد) فروزنده

آرش فروزنده جمالی، متولد اردیبهشت ۱۳۶۹ ماه می ۱۹۹۰ در آبادان، ساکن تهران بود و تنها زندگی می‌کرد.

آرش یک فعال اجتماعی و مدافع حقوق بشر و پرتلاش بود. برای اتحاد بین مردم تلاش می‌کرد. در جنبش زن، زندگی، آزادی از جمله جوانان روشنفکر و پرتلاش برای رهایی بود. در اکتبر ۲۰۲۲ در تهران دستگیر شد. یکی از دوستان آرش، گزارش می‌دهد: «در زندان اوین تهران در آذرماه ۱۴۰۱ نوامبر ۲۰۲۲ اعتصاب غذایی را شروع کرده بود که ۱۸ روز طول کشیده بود. او هر روز یک ویدیو برای ما و برای جمعی از چهره‌های سرشناس و صفحه‌های پرمخاطب ارسال می‌کرد. سرانجام ۱۱ دی‌ماه ۱۱ ژانویه ۲۰۲۳ پس از آنکه خبر توییت مشترک چهره‌های سرشناس را به او دادیم، به اعتصاب خود خاتمه داد و از خوشحالی گریه‌اش بند نمی‌آمد. پس از دو ساعت این ویدیو را برای ما ارسال کرد و خبر از پایان اعتصاب غذا داد.»

او آزاد شد. اما

دوست آرش فروزنده، گزارش می‌دهد: «۱۹ اسفند (۱۴۰۲) ۹ مارس ۲۰۲۴ آرش با من تماس گرفت و گفت نیروهای لباس شخصی او را ربوده و پس از چند ساعت بازجویی گفته‌اند که اشتباهی او را بازداشت کرده‌اند، ولی در حین بازجویی به او یک بطری آب داده بودند و او نیز آب را نوشیده بود. آرش بعد از آن دچار مسمومیت شدید شد که او را مجبور کرد پی‌پی‌ای به بیمارستان مراجعه کند. در کمال ناباوری آرش فروزنده ۲۸ اسفند ۱۸/ مارس ۲۰۲۴ و بر اثر همین مسمومیت جان باخت. موضوعی که چند روز است من را در شوک فرو برده است. برای کشف حقیقت در این مورد مصمم خواهم بود و از همه دوستان آرش می‌خواهم که در این مورد هرچه می‌دانند بگویند.»

او در روز ۱۹ اسفندماه ۱۴۰۱، در تظاهرات سراسری در [#امام زاده صالح](#) توسط چند مامور لباس شخصی بازداشت شد. ماموران پس از ساعتی به او یک بطری آب دادند که بنوشد و سپس او را آزاد کردند.

بر اساس گزارشات، آرش فروزنده جمالی پس از رسیدن به خانه دچار درد در شکم و حالت تهوع شدید و استفراغ شد. وی را به بیمارستان منتقل کردند.

وی پس از چند روز مجدداً در تاریخ ۲۷ اسفندماه ۱۴۰۱، دچار تهوع و استفراغ شده به صورت اورژانس به بیمارستان شریعتی منتقل شد. وی صبح روز ۲۸ اسفندماه ۱۴۰۱، جان باخت.

پزشکان علت را نارسایی کبدی اعلام کردند. این درحالی بود که وی هیچ سابقه و بیماری نداشت و تا پیش از بازداشت کاملاً سالم بود⁵...

همچنین مهدی حاجتی، عضو سابق شورای شهر شیراز و فعال سیاسی ساکن آمریکا، در تویتر نوشته است: «آرش فروزنده را نیز کشتند. از رسانه‌ها درخواست دارم قتل آرش را پیگیری کنند. نام رسمی او میلاد بود و به قول خودش، مادرش سهیلا او را آرش صدا می‌کرد. او یکی از نجیب‌ترین بچه‌های این انقلاب بود که لحظه‌ای از مبارزه دست نکشید. او را ربوده‌اند و پس از آزادی فوت کرده است.»⁶

⁵ <https://www.instagram.com/iran.hrdc/p/CqTfs8cO3Mu>

⁶ <https://www.instagram.com/iran.hrdc/p/CqTfs8cO3Mu>

سعید حافظی، روزنامه‌نگار نیز به نقل از «چند نفر از دوستان» آرش فروزنده و «کادر درمان بیمارستان‌های سینا و شریعتی»، مرگ مشکوک او را «قتل» خواند.

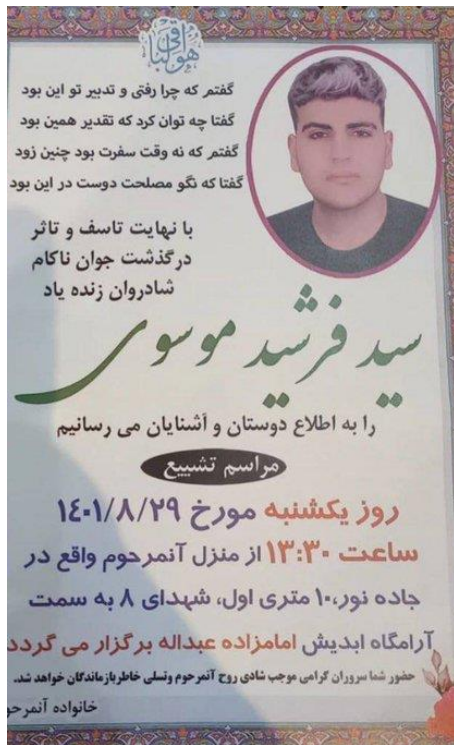
موارد دیگر

در ماه‌های اخیر، شماری از معترضان به روش‌های مشکوکی جان خود را پس از بازداشت و بازجویی از دست داده‌اند.

از جمله فرشید موسوی، جوان ۲۴ ساله‌ای که به گفته اعضای خانواده‌اش، روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ / ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲ در سلامت کامل در جریان اعتراضات مردمی در آمل در مازندران بازداشت شد و دو روز پس از آزایی، یعنی روز ۲۷ آبان/۱۸ نومبر ۲۰۲۲ به کما رفت و در نهایت جان باخت. خانواده او می‌گویند آثار ضرب و جرح و شکستگی روی سر و بدن فرشید در زمان آزادی پیدا بود و او بر اثر شکنجه ماموران جمهوری اسلامی کشته شد.⁷

فرشید موسوی ۲۴ ساله که ۳۰ شهریور در سلامت کامل، در اعتراضات شهر آمل مازندران بازداشت شد و ۲۵ آبان ۱۴۰۱ بر اثر شکنجه با سر شکسته و وضعیت جسمی وخیم آزاد شد، روز ۲۷ آبان ۱۴۰۱ به کما رفت و صبح امروز ۲۹ آبان ۱۴۰۱ در بیمارستان فوت کرد و مامورین رژیم پدرش را ناچار به مصاحبه تلویزیونی کردند که بگوید فرزندش در نتیجه مسمومیت غذایی مرده است.

⁷ <https://www.instagram.com/iran.hrhc/p/CqTfs8cO3Mu>



همچنین در تازه‌ترین مورد، دو حساب کاربری «۱۵۰۰ تصویر» و «جانباختگان انقلاب ایران»، از جانباختن حسین آل‌علی، از معترضان «تحت تعقیب»، در روز یکم فرودین خبر داده بودند. بر اساس این گزارش‌ها، آقای آل‌علی که از معترضان در خیزش سراسری اخیر بود، از مدت‌ها پیش از سوی نیروهای حکومتی و به قصد بازداشت، تحت تعقیب و در خانه‌ای در بندرعباس پنهان شده بود.^{۸,۹}

بر اساس اطلاعات رسیده به ایران اینترنشنال، حسین آل‌علی، معترض ۳۱ ساله، پس از مدتی که تحت تعقیب ماموران امنیتی بود، هفته گذشته با هجوم ماموران به سکونتگاهش در بندرعباس از طبقه چهارم ساختمان به پایین پرتاب شده و پس از یک هفته بستری شدن، روز یکم فروردین جان خود را از دست داد.

^۸ <https://www.independentpersian.com/node/316591>

^۹ <https://ir.voanews.com/a/arash-forouzandeh-suspicious-death-arrested-released/7022347.html>



به گفته منابع نزدیک به خانواده آل علی، او در جریان خیزش انقلابی حضوری فعال در اعتراضات داشت و به دلیل تحت تعقیب بودن، دو ماه پایانی سال ۱۴۰۱ را به صورت مخفیانه زندگی می‌کرد.

به گفته منابع خبری ایران اینترنشنال، مراسم خاکسپاری پیکر حسین آل علی روز پنجشنبه، سوم فروردین، در آرامستان سعدی شیراز برگزار خواهد شد.

حسین آل علی، شهروند اهل شیراز بود و در چند سال گذشته در بندرعباس سکونت داشت و در این شهر به کافهداری مشغول بود.

1 - خودکشی پس از تجاوز و نمونه‌هایی که منجر به

بارداری دختر قربانی شده که قربانی را ناچار به خودکشی ساخته است.

2 - برخی خانواده‌های جان‌باختگان اعلام کرده‌اند که پیکر معترض جان‌باخته به این

شرط که از سوی خانواده عضو بسیج اعلام شود، تحویل آنها داده شده است.

در همین حال مقامات نیروهای انتظامی علت مرگ برخی از جان‌باختگان را پرتاب از بلندی،

گاز گرفتن توسط سگ، گاز گرفتگی، مسمومیت با کنسرو، مصرف زیاد مواد مخدر و

مشروبات الکلی و مواردی از این قبیل اعلام کرده‌اند¹⁰.

3 -

4 - ترورهای سفارشی به تبهکاران و مافیای بین‌المللی

بخش دوم گزارش

5 - حمله و مجروح ساختن زندانیان سیاسی به وسیله گسیل

زندانیان قاتل و اوباش.

به گزارش رادیو فردا:

#حسین_رزاق، فعال سیاسی که در زندان به‌سر می‌برد، از چند مقام امنیتی و قضایی به دلیل ضرب و

شتم خود در بند ۲۰۹ زندان اوین شکایت کرد. یک منبع نزدیک به خانواده این زندانی سیاسی به رادیو

فردا گفت، این شکایت از برخی مسئولان و ماموران وزارت اطلاعات است که شامگاه ۱۵ مهرماه در

¹⁰ <https://www.radiofarda.com/a/protester-killed-protests-iran/32330710.html>

بازداشتگاه ۲۰۹ اوین، پس از توهین و هتاک به آقای رزاق، دسته جمعی او را مورد ضرب و شتم قرار دادند

به گفته این منبع آگاه، ماموران زندان اوین، این زندانی سیاسی را برای ابراز ندامت ساعت‌ها تحت فشار گذاشتند طبق نامه رسمی پزشکی قانونی حسین رزاق درگیر بیماری‌های جسمی و مشکلات فیزیکی جدی است. حسین رزاق از موسسان اتاق «میدان آزادی» در شبکه اجتماعی کلاب‌هاوس بود، و ۱۴ آذر ۱۴۰۰ در منزل شخصی خود در آمل توسط مأموران وزارت اطلاعات بازداشت شد¹¹.

حسین رزاق پس از ضرب و شتم شدید توسط تعدادی از ماموران اطلاعات، در حالیکه بصورت قیامی دست و پایش را از پشت زنجیر کرده بودند و با وجود اطلاع ماموران از بیماری‌های متعدد وی، برای چند ساعت در یکی از هواخوری‌های بند ۲۰۹، افتاده به روی صورت رها می‌شود. آثار این ضرب و شتم پس از بازگرداندن حسین به بند عمومی در بهداری اوین نیز ثبت می‌شود.

”

ایران وایر

در موردی دیگر منابع ایران وایر گفته‌اند «نوید میهن دوست»، کارگردان زندانی، که پس افشا شدن مرگ یک زندانی یهودی به نام «فرامرز جاویدزاد»، در نامه‌ای گفته بود جاویدزاد مدت‌ها درخواست اعزام به بیمارستان را به مسئولان بهداری زندان داشته، به انفرادی منتقل شده است.

این کارگردان سینما و تلویزیون که در زندان اوین دوران حبس خود را سپری می‌کند، در نامه‌اش از مرگ یک زندانی در اندرگاه ۴ این زندان بر اثر تأخیر در رسیدگی درمانی و اعزام به بیمارستان خبر داده بود و همچنین به معضلاتی که منجر به مرگ زندانیان می‌شود، پرداخته بود.

¹¹ <https://www.threads.net/@radiofarda>

ایران و ایر پیشتر در اول مهرماه به نقل از منابع خود نوشته بود «[فرامرز جاویدزاد](#)»، زندانی یهودی محبوس در زندان اوین، پس از مدتی وخامت حال جسمانی به بهداری این زندان منتقل شد و روز شنبه، ۱ مهر در حالی که زیر سرم در بهداری بود، جان سپرد. بنا به اطلاع ایران و ایر، مقامات زندان از انتقال این زندانی به بیمارستان جلوگیری کرده بودند.

برخورداری از امکانات درمانی در زندان از حقوق اولیه متهمان است که در زندان های جمهوری اسلامی همواره نقض شده است. طی چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی، تعداد چشمگیری از زندانیان به دلیل عدم برخورداری از این حق، جان داده اند. از نظر حقوقی مسئولیت مرگ او بر عهده مسئولان زندان، سازمان زندان ها و قوه قضاییه است.¹²



«نوید میهن دوست»، کارگردان زندانی

بند ۲۰۹ دارای سلول های انفرادی و چندنفره (موسوم به سوئیت) می باشد در اختیار وزارت اطلاعات است و ارتباطی به مجموعه قوه قضائیه و زندان اوین ندارد. بازداشتگاه ۲۰۹ یک بازداشتگاه سرّی و غیررسمی در تهران تحت نظارت وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران است. این بازداشتگاه داخل زندان اوین در منطقه شمال غرب تهران مستقر است شماری از زندانیان عادی اوین روز جمعه ۲۵ اسفند، به تعدادی از زندانیان سیاسی در این زندان حمله کردند و آنان را مورد ضرب و شتم خبر دادند.

¹² <https://iranwire.com/fa/news-1/121842>

گزارش های رسیده به بخش فارسی صدای آمریکا حاکی از آن است که از حدود یک سال قبل، زندان بانان از شماری از زندانیان عادی، از جمله وکیل بند چهار و معاون او برای دادن گزارش از زندانیان سیاسی و یا ضرب و شتم آنان استفاده می کند.

بر اساس این گزارش ها، در رویداد روز جمعه، مهاجمان برخلاف گذشته از چاقو و چماق استفاده نکردند و با مشت به زندانیان سیاسی حمله کردند که این موضوع باعث کبودی و کوفتگی بدن شماری از زندانیان سیاسی شد.

مهاجمان ضمن فحاشی به زندانیان سیاسی، آنها را تروریست خطاب می کردند.

یک عضو خانواده یک زندانی سیاسی به صدای آمریکا گفت که برخلاف مهر سال گذشته که ماموران به طور مستقیم در حمله به زندانیان سیاسی دست داشتند، تلاش مدیریت زندان این بوده است تا با استفاده از شماری از زندانیان عادی در «بند چهار سالن سه»، مانع مطالبه گری و یا اعتراض زندانیان سیاسی شود.¹³

در بند ۲۰۹ که زندانی سیاسی، فعالین کارگری، زنان، اجتماعی، دوتابعیتی و گروگان گرفته شده برای معامله با دولت ها در قبال تروریست های حکومتی، و جنایتکارانی همانند حمیدنوری در سوید، زندان شده اند صورت گرفت این سیاست همیشگی رژیم است که آدمکشان زیر اعدام را با وعدهی بخشش به ماموریت سرکوب زندانیان سیاسی می فرستند. در این بند رضا شهابی به دلیل آسیب به مهره کمر به وضعیت نیمه فلج افتاده)، حسن سعیدی، داود رضوی نمایندگان کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، و هر سه بیمار، سعید عزیزی، شهروند دو تبعیتی از سوید که برای دیدار خانواده مادری خود به ترهان سفر کرده بود(و در اعلام جرم او شکرت در یک جشن دانش آموزی دخترش در سوید که به همراه دانش آ «زوان سویدی و ایران چند پرچم شیرخورشید ایران هم دیده می شود اعلام کرده اند، محکوم به ۵

¹³ <https://ir.voanews.com/a/political-prisoners-in-evin-were-attacked-by-some-criminal-prisoners/7530434.html>

سال حبس و دچار بیماری پیشرفته سرطان پروستات و در زیر درمان شیمی درمانی و پرتودرمانی در سوید بود، و نیز مطلب احمدیان (تلفن برادرش سوران احمدیان ۰۰۹۸۹۱۸۹۷۴۱۰۰۷) از کردستان که ۱۵ سال پیش دستگیر شده و او دچار بیماری سرطان پروستات سخت و پیشرفته، نیاز به درمان فوری دارد ... قرار دارند...

جوان ورزشکار #علیرضا نادرلو | ۲۴ ساله چندروز قبل از ۱۹ فروردین برای انجام حرکات

رزمی در مراسم حکومتی روز قدس دعوت شد اما از رفتن خودداری کرد. بعد رد دعوت

چندین بار توسط عوامل رژیم مورد اذیت و آزار و تفتیش کیف و موبایل قرار گرفت و در

نهایت، ۱۹ فروردین ماه بگفته ی خانواده، به قتل رسید.¹⁴

پوریا زراعتی [در توئیتر نوشت](#): علیرضا نادرلو نوزدهم فروردین، ساعت پنج عصر، در ایستگاه مترو مدرس تهران، یک جوان ورزشکار به اسم «علیرضا نادرلو» پرت شد زیر قطار و بلافاصله جانش رو از دست داد. علیرضای ۲۴ ساله چندروز قبلش برای انجام حرکات رزمی در یکی از مراسم حکومتی «روز قدس» دعوت شد اما از رفتن خودداری کرد، بعد رد دعوت، چندین بار توسط عوامل رژیم مورد اذیت و آزار و تفتیش کیف و موبایل قرار گرفت و در نهایت، ۱۹ فروردین ماه، بگفته ی خانواده، به قتل رسید.

بعد از کشته شدن علیرضا، با اینکه موبایل و کارت شناسایی همراهش بود، کسی به خانوادهش هیچ خبری نداد تا اینکه پدرش ساعت سه بامداد ۲۰ فروردین پیکر بی جان پسرش رو شناسایی کرد. بعد پیگیری خانواده، یک قاضی دستور توقف بازبینی فیلم های دوربین های مداربسته ی مترو رو داده.

مراسم سوم و هفت علیرضا این پنجشنبه، ۲۳ فروردین در مسجد نظام مافی واقع در خیابان کاشانی تهران برگزار خواهد شد. مادرش امشب فریاد می زد: «من واسه حمیدرضا روحی چقدر گریه کردم، الان کجاست مادرش که ببینه حال منم مثل اون شده»

¹⁴ <https://twitter.com/i/status/1777834661550395606>



رویا ذاکری کارشناس کامپیوتر به دلیل اعتراض به حجاب اجباری به بیمارستان روانی منتقل می‌شود

یک کلیپ از خانم ذاکری که به طور گسترده‌ای در رسانه‌های اجتماعی پخش شد، نشان می‌دهد که او روی زمین نشسته و علیه خامنه‌ای شعار می‌دهد. به همین دلیل نیروهای امنیتی او را چنان مورد ضرب و شتم قرار دادند که بیهوش شد. سپس رویا ذاکری را با آمبولانس از میان جمعیت بردند و به بخش زنان بیمارستان رازی تبریز که بیمارستان اعصاب و روان است، منتقل کردند.

رویا ذاکری مجرد، ۳۱ ساله، اهل شهر مرند در استان آذربایجان شرقی است. وی دارای مدرک کارشناسی ارشد در رشته کامپیوتر و ساکن تبریز است.

. ههنگاو؛ پنج‌شنبه ۲۷ مهر ۱۴۰۲

رویا ذاکری که تصاویری از او تحت عنوان "دختر تبریز" در اوایل هفته جاری انتشار یافت، پس از ضرب‌وشتم توسط ماموران به بیمارستان اعصاب و روان رازی تبریز منتقل شده و تحت تدابیر شدید امنیتی، از ملاقات محروم شده است¹⁵.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری ههنگاو، رویا ذاکری، اهل شهر مرند از چهار روز گذشته و بلافاصله پس از بازداشت، به موازات ادعای رسانه حکومتی مبنی بر ابتلای او به "اختلال روانی"، به بیمارستان رازی تبریز انتقال یافته و خانواده از ملاقات او منع شده‌اند.

رویا ذاکری، ۳۱ ساله و فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد رشته کامپیوتر بوده و هم‌اکنون در بخش زنان بیمارستان رازی در وضعیتی نامعلوم به سر می‌برد.

این دختر جوان، روز یکشنبه ۲۳ مهر ماه توسط ماموران امنیتی جمهوری اسلامی ایران در خیابان منجم تبریز بازداشت شده و با آمبولانس به بیمارستان انتقال یافت. رسانه‌های حکومتی یک روز پس از بازداشت او، به صورت هماهنگ مدعی شدند که او به "بیماری روانی" مبتلا است.

رویا ذاکری در جریان جنبش زن، زندگی، آزادی اواخر مهرماه سال گذشته برای مدت یک ماه بازداشت شده و همانطور که در ویدئوی بازداشتش می‌گوید، مدت پنج شبانه‌روز را در آن دوره بازداشتش، اقدام اعتصاب غذا کرده بود. وی در مقابل دانشگاه سراسری تبریز توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به زندان مرکزی تبریز منتقل شده بود.

سکینه پروانه زندانی سیاسی گُرد و اهل قوچان، به دلایل نامعلومی از بند زنان زندان مرکزی مشهد (وکیل آباد) به زندان اوین در تهران منتقل شده است. انتقال وی در نخستین سالگرد آخرین بازداشتش انجام گرفته است.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هنگاو، روز چهارشنبه ۱۵ فروردین ماه ۱۴۰۳ (۳ آوریل ۲۰۲۴)، سکینه پروانه سکینه پروانه، زندانی سیاسی گُرد و اهل شهر قوچان از توابع استان خراسان رضوی، به طور ناگهانی از زندان وکیل آباد مشهد به بند زنان زندان اوین در تهران منتقل شده است.

سکینه پروانه، روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین ماه سال گذشته، پس از احضار توسط اطلاعات سپاه پاسداران مشهد، بازداشت و روز ۲۵ همان ماه به بند ۵ زندان مشهد منتقل شد.

وی اوایل شهریور ماه ۱۴۰۲، در حالی که از حق دسترسی به وکیل محروم بود توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی مشهد به هفت سال و شش ماه زندان تعزیری محکوم شده بود.

قابل ذکر است که، این زندانی سیاسی گُرد، در اعتراض به اجرای احکام اعدام وفا آذربار، محسن مظلوم، پژمان فاتحی و محمد فرامرزی، چهار زندانی سیاسی گُرد روز سه‌شنبه ۱۰ بهمن ۱۴۰۲ به مدت ۳ روز دست به اعتصاب غذا زده بود¹⁶.



فرستادن اجباری و برای تنبیه به اتاق ایزوله بیمارستانهای روانی

6 - خودکشی پرستاران و ..

خودکشی به عنوان مشکل جدی سلامت عمومی، در ۲۳ مارس ۲۰۲۴ از سال جدید نیز خبر درگذشت پرستو بخشی، متخصص بیماری‌های قلب و عروق چهارم منتشر شد که 20 فروردین ماه، ۸/ آوریل ۲۰۲۴ علت مرگ او نیز خودکشی اعلام شد. در سال‌های اخیر موجی از گزارش‌هایی از اقدام به خودکشی در میان پزشکان، پرستاران و دستیاران تخصصی پزشکی (رزیدنت‌ها) در حال رسانه‌ای شدن است .

خودکشی البته علل مختلفی دارد و نمی‌توان با قاطعیت در مورد علت خودکشی یک فرد صحبت کرد؛ اما به این بهانه‌ی بسیار تلخ، می‌توان گریزی به مشکلات بسیار پرستاران، خاصه پرستاران طرحی زد و از مشکلات آن‌ها نوشت. محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار، ضمن تأیید خبر خودکشی این جوان ۳۲ ساله می‌گوید: ایشان یک پرستار طرحی بود و در ایام کرونا و تا همین اواخر هم طرحش تمدید شده بود اما از چند ماه پیش، دیگر قرارداد این پرستار تمدید نشد و بعد از آن مدتی بیکار ماند و بعد هم متأسفانه به زندگی خود پایان داد .

دبیرکل خانه پرستار: تعداد فوتی پرستاران جوان در سال 1402 زیاد بود/ با کرونا جنگیدند و هیچ کدام از مطالباتشان محقق نشد/ پرستاران در اعتراض به چنین وضعیتی معمولاً بازخواست و تهدید می‌شوند.¹⁷

پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران وابسته به حکومت است که به گوشه‌ای از علل افزایش خودکشی در میان پرستاران و کادر پزشکی اعتراف می‌کند. خودکشی در میان پرستاران، بیانگر نقش رژیم در نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت است. این تنها گوشه‌ای از خودکشی‌ها در دیگر بخش‌های اجتماعی در ایران است.

فشار روانی سخت زمان کرونا و کشتار سنگین و هولناک سراسری در ایران در نتیجه ممنوعیت واکسن‌های معتبر و تایید شده سازمان بهداشت جهانی و اجباری کردن واکسن غیرتایید شده تولید داخلی که باند مافیایی به ریاست خامنه‌ای انحصار آن را داشت، سنگینی و شدت کار پرستاران و پرسنل درمان، ناامیدی به آینده، تمدید نکردن قرارداد و استخدام دائم، نپرداختن دستمزدها و حقوق، میزان استرس و اضطراب در این دوره برای آن‌ها بسیار شدید بود و تداوم این اضطراب و استرس گاهی به افسردگی می‌انجامد.

رسانه‌های حکومتی در روز ۹ هشتم آوریل ۲۰۲۴ اعلام کردند منع سفر زنان مخالف حجاب اجباری به خارج کشور

: که:

منع سفر زنان مخالف حجاب اجباری به خارج کشور بر اساس لایحه عفاف و حجاب

ظهارات اخیر مهدی باقری، نماینده مجلس شورای اسلامی، به نگرانی‌ها درباره ادامه سیاست‌های سرکوب‌گرانه جمهوری اسلامی علیه حقوق زنان دامن زده است. به گفته باقری، بر اساس لایحه موسوم به «عفاف و حجاب»، از مجازات‌های در نظر گرفته شده برای «افراد خاطی»، ممنوعیت سفر به خارج از کشور است.

بخش-باز نشر-1628424/59-ماجرای-خودکشی-پرستار-ساله-کرمانشاهی-دبیرکل-خانه-<https://www.jamaran.news/>¹⁷
پرستار-تعداد-فوتی-پرستاران-جوان-در-سال-زیاد-بود-یا-کرونا-جنگیدند-هیچ-کدام-از-مطالباتشان-محقق-نشد-پرستاران-در-اعتراض-به-چنین-وضعیتی-معمولاً-بازخواست-تهدید-می-شوند

این عضو کمیسیون ویژه بررسی لایحه «عفاف و حجاب»، در گفت‌وگویی با وبسایت خبرآنلاین اعلام کرد: «فردی که به قانون احترام نمی‌گذارد، قانون را قبول ندارد و به نوعی در مقابل آن گردن‌کشی می‌کند، در آینده نمی‌تواند مجری قانون باشد و از خدماتی که در کشور می‌گیرد، محروم می‌شود که یکی از آن‌ها سفر خارجی است.»¹⁸

«از کی تا حالا طرف با پول خودش بخواد برود مسافرت خارجی، جزو خدمات حکومتی حساب می‌شود؟»



با کرونا جنگیدند و هیچ کدام از مطالباتشان محقق نشد

شریفی مقدم می‌افزاید: با وجود تمام سختی‌هایی که پرستاران در دوران کرونا متحمل شدند، بعد از پایان کرونا مطالباتشان نادیده گرفته شد و بسیاری از پرستاران طرحی نیز به راحتی کنار گذاشته شدند. این درحالی است که کمبود نیروی پرستار در کشور بسیار زیاد است و باید این نیروها را جذب کرد اما خب دولت می‌گوید بودجه نداریم. باید توجه کرد که از این وضع مردم و بیماران بسیار متضرر می‌شوند. البته وعده‌هایی برای جذب به این پرستاران داده شد اما به هیچ کدام از این وعده‌ها عمل نشد.

¹⁸ <https://ensafnews.com/508498>

شریفی مقدم می‌گوید: پرستارانی که امروز برای بیان مطالبات و گرفتن حقوقشان به خیابان‌ها می‌آیند، یکی از شعارهایشان این است که «با کرونا جنگیدیم، حمایتی ندیدیم» و این واقعیت دارد. آن‌ها آثار روحی و روانی و جسمی کرونا را دیدند اما بعد از پایان کرونا هیچ کدام از مطالباتشان محقق نشد. دبیرکل خانه پرستار گفت: نه تعرفه‌گذاری به درستی اجرا شد و نه تبدیل وضعیت و جذب پرستاران اتفاق افتاد. از طرفی مشکل کمبود دریافتی، اضافه‌کار اجباری با حقوق بسیار پایین، معوقاتِ مزدی در برخی بیمارستان‌ها همچنان پابرجاست. در همین کرمانشاه، برخی از پرستاران می‌گویند، اضافه‌کار ناچیز ساعتی ۲۰ هزار تومان و کارانه‌اشان را چند ماهی است که نگرفته‌اند. خیلی از پرستاران راضی به انجام این اضافه‌کار نیستند، برخی را مجبور می‌کنند و برخی نیز به دلیل نیاز به پول مجبور می‌شوند اضافه‌کار بایستند، که حتی همین اضافه‌کار ناچیز را هم در برخی بیمارستان‌ها با تأخیر پراخت می‌کنند. **بازخواست و تهدید پرستاران معترض به جای حل مشکل**

شریفی مقدم می‌افزاید: بدتر آنکه پرستاران در اعتراض به چنین وضعیتی معمولاً بازخواست و تهدید می‌شوند. در مواردی بخش و بیمارستان پرستاران معترض را جابه‌جا کرده‌اند. در واقع به جای آنکه چاره‌ای برای حل مشکل پرستاران ببینند با آن‌ها برخورد می‌کنند و در برخی مواقع به بیمارستان راه نمی‌دهند و آن‌ها را تهدید به اخراج می‌کنند. دبیرکل خانه پرستار تاکید می‌کند: جامعه پرستاری دچار بحران شدید شده و مسئولی هم به این وضعیت توجه نمی‌کند؛ در چنین شرایطی است که آمار مهاجرت به بالای ۳ هزار نفر رسیده است، تعداد بی‌شماری ترک شغل می‌کنند و آن‌ها هم که می‌مانند معترض هستند.

<https://www.jamaran.news/> بخش-باز نشر-1628424/59-ماجرای-خودکشی-پرستار-ساله-کرمانشاهی-دبیرکل-خانه-پرستار-تعداد-

فوتی-پرستاران-جوان-در-سال-زیاد-بود-با-کرونا-جنگیدند-هیچ-کدام-از-مطالباتشان-محقق-نشد-پرستاران-در-اعتراض-به-چنین-وضعیتی-

معمولاً-بازخواست-تهدید-می-شوند

7- افزایش اعدام ها که بنیاد آنها را اعدام نامید بلکه

قتل های حکومتی به شمار می آیند، زیرا که هیچ پروسه دادرسی
وقانونی از زمان بازداشت تا اجرای حکم انجام نمی گیرد.

8- بسیاری از این زندانیان سیاسی را به قتل رسیده زیر

نام قاچاقچی مواد مخدر، و غیر اعلام شده اند.

9- بنا به اعلام «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر

در ایران، شمار اعدام شدگان سال ۱۴۰۲ نسبت به شمار اعدام ها در سال ۱۴۰۱، حدود ۸۵ درصد و نسبت به سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳۰ افزایش داشته است.

10- بنا به آمار هرانا، حکومت اسلامی در ایران، در سال ۱۴۰۰

دست کم ۳۳۳ شهروند را با اتهامات مختلف اعدام کرده است. شمار «اعدام شدگان به ترتیب در سال ۱۴۰۰ ششصد و هفده نفر و در سال ۱۴۰۲ به ۷۶۷ نفر افزایش یافته است.

11- سازمان حقوق بشر ایران، اسفندماه ۱۴۰۲/فوریه ۲۰۲۴

در گزارش سالانه خود خبر داد که در سال ۲۰۲۳ میلادی و همزمان با خیزش انقلابی، جمهوری اسلامی ۸۳۴ نفر را اعدام کرده است.

احضار سه معلم خوزستانی به دادگاه انقلاب اهواز

شعبه سوم دادگاه انقلاب اهواز آقایان [#پیروز_نامی](#) ، [#سیامک_صادقی_چهرازی](#) و

[#علی_کروشانی](#) را برای ۲۶ فروردین به دادگاه احضار کرد

1 - این فعالین صنفی معلمان از سال ۱۴۰۰ چندین نوبت با پرونده

سازی های اطلاعات سپاه بازداشت شده و هر بار با پرونده جدید قضایی

مواجه شده‌اند

2 - شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

3 -

4 - خانواده‌های دادخواه در ایران در سال گذشته با وجود فشارهای

مستمر امنیتی دست از مقاومت برنداشتند و صدای رسای عزیزان خود

بودند.

حبس خانگی خانواده کیان پیرفلک

1 - یکی از نمادهای دادخواهی، در دستان «ماهمنیر مولایی‌راد»،

مادر «کیان پیرفلک»، کودک ۹ ساله کشته‌شده در اعتراضات گسترده ۲۵

آبان ۱۴۰۱/۱۶ نوامبر ۲۰۲۲ ایزه در خوزستان بود

2 - جمهوری اسلامی از هیچ فشاری برای ساکت کردن این

خانواده دریغ نکرد. از احضار، دستگیری و بازجویی اعضای خانواده، تا

کشته‌شدن پسر عموی «مادر ماهمنیر»، پویا مولایی‌راد، در مراسم تولد ۱۰

سالگی کیان و حبس خانگی ماهمنیر و میثم پیرفلک.

- 3 - این خانواده بارها به شکلی علنی، نیروهای لباس شخصی
- جمهوری اسلامی را عامل تیراندازی و قتل کیان و همچنین آسیب دیدن میثم پیرفلک عنوان کرده بودند.
- 4 - خرداد ۱۴۰۲، ژون ۲۰۲۳ بعد از اعلام ماهمنیر برای برگزاری تولد جهانی کیان، فشار بر این خانواده دادخواه شدت گرفت. ماهمنیر مولایی‌راد، ۱۳ خرداد ۱۴۰۲ / ۳ ژون ۲۰۲۳ در پستی در صفحه اینستاگرام خود، خبر از حمله ماموران اطلاعات به منزل یکی از دوستانش داد. منزلی که به گفته او، در حال آماده‌سازی مراسم تولد کیان بودند.
- 5 - او همچنین با اشاره به توقیف وسایل تولد کیان اعلام کرد نیروهای اطلاعات ایزه از دوستانش تعهد گرفتند تا دیگر برای کیان کاری نکنند.
- 6 - در ادامه اما، در روز برگزاری مراسم تولد کیان بر سر مزار او در ۲۱ خرداد ۱۴۰۲، **2023 June 11** در پی درگیری در روستای پرچستان ایزه، محل دفن کیان پیرفلک، پویا مولایی‌راد، پسر عموی مادر این کودک، با تیراندازی ماموران امنیتی حکومت کشتته شد.
- 7 -
- 8 - این بی‌خبری و غیبت ماهمنیر، تا برگزاری مراسم زود هنگام سالگرد به قتل رسیدن کیان در ۱۸ آبان ۱۴۰۲ / ۹ نوامبر ۲۰۲۳ نیز ادامه داشت. مراسمی که به گفته «فاطمه حیدری»، خواهر دادخواه جواد حیدری،

از کشته‌شدگان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، تحت شدیدترین فشارهای امنیتی برگزار و مادر و خواهر میلاد سعیدیان‌جو، از دیگر کشته‌شدگان این جنبش نیز به دست نیروهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی مورد تهدید با اسلحه قرار گرفتند.

9 - در نهایت، این حصر خانگی که آن‌طور که سجاد پیرفلک،

عمومی کیان در آن زمان در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت «صحت

نداشت»، در سال گذشته به معنای واقعی کلمه، برای خانواده پیرفلک

اعمال شده بود.

10 - دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی، با افزایش

فشارها و تهدید بر این خانواده و سایر اعضای خانواده، ایجاد فضای امنیتی

در روستا، تهدید و ارباب و بازداشت، در نهایت ماه‌نیر مولایی‌راد و

همسرش میثم پیرفلک را که همچنان با آسیب‌های شدید ناشی از اصابت سه

گلوله در شب حمله به خودروی شخصی آن‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند،

و ادار به سکوت کردند.

11 - از دستگیری پدر جواد حیدری تا حمله به روستای خانوادگی

از دیگر دادخواهان جنبش «زن، زندگی، آزادی»، اعضای خانواده جواد

حیدری، کشته‌شده در ۳۱ شهریور ۱۴۰۱ / ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۲ در قزوین، با

شلیک مستقیم نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی بودند.

2-1 دیدار و هم‌دردی خانواده کشته‌شدگان خیزش انقلابی

با مادر جواد حیدری در مزار پسرش

3-1 آغاز سال ۱۴۰۲/۲۰۲۳ برای این خانواده دادخواه، با تداوم

شدیدترین فشارهای امنیتی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی همراه بود.

احضار، دستگیری، تهدید و برخوردهای فراقضایی با این خانواده، یکی از

مصادقات‌های نقض حقوق بشر و شهروندی از سوی جمهوری اسلامی است.

4-1 فاطمه حیدری، خواهر دادخواه جواد حیدری، ۱۴ فروردین

۱۴۰۲، ۳ آوریل ۲۰۲۳ خبر از دستگیری برادرش روح‌الله حیدری و

انتقال او به مکانی نامعلوم داد.

5-1 امتناع از اطلاع‌رسانی نهادهای قضایی جمهوری اسلامی

درباره علت دستگیری و محل نگهداری اعضای خانواده‌های دادخواه و

همچنین بی‌خبری خانواده از آنها، یکی دیگر از روش‌های جمهوری

اسلامی برای تحت فشار قرار دادن خانواده‌های دادخواه و وادار کردن

آنها به سکوت است.

6-1 **نسرین شاکرمی؛ دادخواه نیکا**

7-1 در آستانه اولین سالگرد کشته‌شدن نیکا شاکرمی، نوجوان ۱۶

ساله کشته شده در جنبش مهسا، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری

اسلامی با ایجاد فشار و تهدید خانواده، از برگزاری مراسم یادبود او

جلوگیری کردند.

8-1 - گلباران مزار نیکا شاکرمی در آخرین پنجشنبه سال گذشته

9-1 - نسرین شاکرمی، مادر داغدار و دادخواه نیکا، ۲۹ شهریور ۱۴۰۲ / ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳ [در حساب کاربری اینستاگرام](#) خود با اشاره به «مشکلات پیش آمده» نوشت: «با توجه به اینکه بنده نمی‌خواهم به افراد دیگری از عزیزان و هموطنان غیرتمند و شریفی که به این مراسم تشریف می‌آورند، آسیبی وارد شود برگزاری مراسم را ناچاراً لغو می‌کنم».

0-2 - آیدا، خواهر نیکا، نیز با انتشار یک پست [اینستاگرامی](#) دیگر، پرده از «مشکلات پیش‌آمده برداشت» و مشخصاً از تهدید به مرگ خود، از سوی افراد ناشناس خبر داد. او در حساب اینستاگرام خود، محتوای این پیام را این‌طور نوشت: «اگر بر مزار جگرگوشه‌مان برویم مادرم دستگیر می‌شود و به او گفتند بهتر است به فکر امنیت من که تنها دخترش هستم باشد».

1-2 - فشار و تهدید به قتل و دستگیری سایر اعضای خانواده‌های دادخواه در روزهای خاص مانند سالگرد، تولد و مناسبت‌های سنتی ایران از جمله شب یلدا، چهارشنبه‌سوری و غیره توسط جمهوری اسلامی، دستاویزی برای جلوگیری از تجمعات مردمی بر مزار این کشته‌شدگان و گرامی‌داشت یاد و خاطره آن‌ها شده است.

2-2 - ماشاءالله کرمی؛ یک پدر، دو داغ

2 3 - محمدمهدی کرمی و محمد حسینی، دو تن از اعدامیان جنبش

«زن، زندگی، آزادی» که در دادگاه‌هایی نمایشی، ناعادلانه و بدون دسترسی به وکیل انتخابی در روزهای ابتدایی دستگیری به این حکم محکوم شدند، از دیگر نمادهای دادخواهی ایران است.

2 4 - ماشاالله کرمی هم دادخواه محمدمهدی فرزندش و هم

محمد حسینی است

2 5 - ماشاالله کرمی، پدر محمدمهدی کرمی، ۳۱ مرداد ۱۴۰۲

۲۲/ اوت ۲۰۲۳ به دست ماموران وزارت اطلاعات در منزل شخصی خود، بازداشت شد.

2 6 - در این بازداشت که با توقیف تمامی وسایل الکترونیکی از

جمله تلفن‌های همراه، لپ‌تاپ و کارت‌های بانکی این خانواده همراه بود، همسرش منیژه و دیگر فرزندش نیز بازداشت شدند.

2 7 - همسر و فرزند آقای کرمی ساعاتی بعد از این بازداشت آزاد

شدند، اما ماشاالله کرمی تا زمان نوشتن این گزارش و با گذشت بیش از ۲۱۰ روز از دستگیری، همچنان در زندان به سر می‌برد.

2 8 - در تمام روزهای بعد از اعدام این دو جوان، ماشاالله کرمی به

پیاده‌روی به یاد این دو جوان اعدام شده، پخش غذای نذری به یاد آن‌ها و حضور بر سر مزارشان مشغول بود و نیروهای امنیتی و اطلاعاتی

جمهوری اسلامی به این بهانه، این پدر دادخواه را دستگیر و با

پرونده‌سازی برای او، این نماد دادخواهی اعتراضات سال ۱۴۰۱ را به زندان انداختند.

9 2 - این پدر دادخواه که علاوه بر فرزندش محمد مهدی، به عنوان پدر

معنوی محمد حسینی نیز شناخته می‌شود، به مدت دو ماه و نیم در سلول انفرادی نگهداری می‌شد.

0 3 - او که در بین کاربران رسانه‌های اجتماعی به «آقا ماشاالله»

معروف است، همراه همسرش منیژه، به صورت مستمر بر سر مزار این دو جوان اعدام شده حضور پیدا می‌کردند و با انتشار عکس‌هایی در کنار مدال‌ها و لوح‌های تقدیر ورزشی فرزندشان که قهرمان کشوری و استانی در رشته تکواندو بود، سعی بر زنده نگه داشتن یاد او و محمد حسینی داشتند.

1 3 - بر اساس اطلاعات منتشر شده از منابع نزدیک به خانواده،

ماموران جمهوری اسلامی در زمان بازداشت «آقا ماشاالله»، به لوح‌ها و مدال‌های فرزند اعدام شده او نیز آسیب رسانده و آن‌ها را شکسته‌اند.

2 3 - ۱۲ آبان ۱۴۰۲ / ۳ نوامبر

۲۰۲۳، [کمیته پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان](#) نوشت: «همسر و دیگر

پسر ماشاالله کرمی در پی هجوم‌های چندباره ماموران به منزلشان، به ناچار خانه را ترک کرده و به مکان نامعلومی رفته‌اند».

3 3 - این گزارش در ادامه عنوان کرد: «طی این مدت خانواده کرمی

به شدت تحت فشار قرار داشته‌اند تا به هیچ عنوان در مورد شرایط او

اطلاع‌رسانی نکنند و حق تماس و رفت‌وآمد نیز از آنان سلب شده است. با

وجود همه این کنترل‌ها، یک مامور نیز به‌طور دائم آن‌ها را زیر نظر داشته و دو بار پس از بازداشت آقای کرمی نیز خانه آنها مورد یورش ماموران قرار گرفته است.»

3 4 - حمله نیروهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی به منزل و

محل کار خانواده‌های دادخواه، برای تفتیش و ایجاد مزاحمت برای خانواده‌های دادخواه، تنی چند از آن‌ها را مجبور به ترک خانه کرده است. جمهوری اسلامی از این روش برای اجبار به سکوت این خانواده‌ها استفاده می‌کند.

3 5 - از دیگر موارد نقض حقوق خانواده‌های دادخواه، و به

خصوص خانواده کرمی، دستگیری وکیل این خانواده، امیرحسین کوهکن بود.

3 6 - آقای کوهکن روزهای ابتدایی شهریور ۱۴۰۲ به‌صورت تلفنی

به اداره اطلاعات کرج احضار و پس از آن بازداشت شد. در نهایت بعد از هفته‌ها بی‌خبری، منع دسترسی به تلفن برای اطلاع‌رسانی از وضعیت سلامتی به خانواده و همچنین تعیین تکلیف نشدن قضایی، این وکیل دادگستری ۹ آذر ۱۴۰۲ / ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳ با قرار تامین کیفری از زندان کجویی کرج آزاد شد.

3 7 - فشارهای همه‌جانبه به خانواده کرمی و «آقا ماشاالله» در زندان

اما در ۲۵ اسفند ۱۴۰۲ بنا به اعلام علی شریف‌زاده، وکیل او، با صدور کیفرخواست به مرحله جدیدی رسید.

- 3 8 - این وکیل حقوق بشری در گفت‌وگو با کانال خبری «امتداد»، از چهار عنوان اتهامی برای این پدر دادخواه خبر داد. در این میان، علاوه بر دو اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «اجتماع و تبانی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت ملی»، یک عنوان اتهامی دیگر مربوط به دادگاه کیفری دو نیز علیه این پدر دادخواه مطرح شده و آن ماده دو قانون تشدید (تحصیل مال نامشروع) و ماده ۹ قانون مبارزه با پولشویی بود.
- 3 9 - جمهوری اسلامی با پرونده‌سازی و انتساب اتهامات مختلف، مشخصاً اتهامات مالی و کلاهبرداری، تلاشی گسترده برای از بین بردن اعتماد مردم از خانواده‌های دادخواه انجام می‌دهد.
- 4 0 - چهره‌هایی که تنها با دادخواهی خون عزیزانشان، به نمادی از جنایت‌های جمهوری اسلامی تبدیل شده و نهادهای اطلاعاتی و امنیتی جمهوری اسلامی از میزان محبوبیت این خانواده‌ها در میان مردم هراس دارد.
- 4 1 - همچنین در پی بلاتکلیفی این پدر دادخواه و بیش از ۲۱۰ روز روز زندانی بودن او، وکیل این خانواده در ۲۴ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۴ مارس ۲۰۲۴ در شبکه اجتماعی ایکس [اعلام](#) کرد وضعیت روحی منیژه خانم، همسر «آقا ماشاالله» مساعد نیست.
- 4 2 - کشته‌شدن یکی از افراد خانواده به‌تنهایی، آسیب روحی و روانی بی‌حدی را به خانواده‌های دادخواه تحمیل می‌کند و در ادامه

فشارهای جمهوری اسلامی برای زندانی کردن سایر اعضای خانواده،
تلاشی مضاعف برای فروپاشی استقامت آن‌هاست.

3 4 - کوچ اجباری از خانه؛ تهدید خانواده سارینا اسماعیل‌زاده

4 4 - سارینا اسماعیل‌زاده، نوجوان ۱۶ ساله کشته شده در هفته‌های

ابتدایی اعتراضات به قتل حکومتی مهسا ژینا امینی، در میان کشته‌شدگان

این جنبش، هیچ صدایی برای دادخواهی ندارد.

5 4 - فشارهای همه‌جانبه به خانواده سارینا، با وجود مادری که

سال‌ها رنج بیماری را به جان خریده و تهدید این مادر با جان دو فرزند

دیگرش، این خانواده را به سکوت وا داشته است.

6 4 - در این میان اما بعد از گذشت بیش از یک سال از کشته‌شدن

این نوجوان، آبان ۱۴۰۲/نوامبر ۲۰۲۳، یکی از دوستان سارینا در

گفت‌وگو با [ایران‌وایر](#) به صورت تلویحی به «در دسرهایی» که برای این

خانواده ایجاد شده اشاره کرد: «نمی‌خوام در دسر درست کنم. در یک کلمه،

تنها بود. پدرش را زود از دست داده بود و تا مدت‌های زیادی به‌عنوان یه

دختر نوجوان، بار همراهی با مادر بیمارش را به دوش می‌کشید.»

7 4 - یک منبع آگاه درباره افزایش فشارها بر خانواده سارینا

اسماعیل‌زاده با هدف تداوم سکوت آن‌ها و پذیرش سناریوسازی‌های

حکومتی درباره خودکشی این نوجوان به ایران اینترنشنال گفت در پاییز

۱۴۰۲، ۲۰۲۳ این خانواده از محل زندگی خود در فاز یک مهرشهر

کرج، ناچار به کوچ اجباری به محله دیگری شدند.

زنان زندانی

زندانیان سیاسی زن

بر اساس اطلاعات رسیده به ایران اینترنشنال، فشارهای امنیتی و قضایی بر ۶۵ زن زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین ادامه دارد. هشت تن از آنها از رسیدگی پزشکی محروم مانده‌اند. هشت زن به صورت بلا تکلیف در اوین زندانی‌اند و سه تن دیگر به دلیل کهولت سن از مشکلات بسیاری رنج می‌برند.

از میان این زنان زندانی، راحله راحمی‌پور با داشتن ۷۲ سال سن، مهوش شهریاری ثابت با ۷۱ سال سن و پروین میرآسان با ۶۷ سال سن در اوین زندانی‌اند و علاوه بر ابتلا به بیماری‌های مختلف، به دلیل کهولت سن دچار مشکلات بسیاری‌اند.

بنابر اطلاع منابع ایران اینترنشنال، رضوانه احمد خان‌بیگی و نسیمه اسلام‌زهی، دو زن زندانی با وجود باردار بودن در اوین زندانی‌اند و در ماه‌های پیش رو فرزندان خود را در زندان به دنیا خواهند آورد.

شماری از زنان زندانی هم بارها به دلیل فعالیت‌هایشان در زندان از جمله تحصن اعتراضی، نوشتن نامه و امضای بیانیه‌های جمعی با محرومیت‌هایی همچون محرومیت از حق تماس تلفنی و ملاقات با خانواده مواجه شده‌اند.

از میان این زندانیان نرگس محمدی از حق تماس تلفنی محروم است و برخی همچون گلرخ ایرایی با محدودیت تماس مواجه هستند.

تماس این زندانیان با فشار نهادهای امنیتی و قضایی از حق تماس با هفت شماره موجود در کارت تلفنشان به تماس با سه شماره محدود شده است.

صدیقه و سمقی نیز به دلیل سرپیچی از حجاب اجباری، از زمان بازداشت تاکنون از حق ملاقات هفتگی با خانواده محروم است.

بازداشت موقت و بلاتکلیفی

اطلاعات رسیده به ایران اینترنشنال نشان می‌دهد از میان زنان زندانی محبوس در بند زنان زندان اوین، هشت زندانی با قرار بازداشت موقت و بدون حکم قطعی در زندان به سر می‌برند و برخی بیش از یک سال است زندانی‌اند.

نسیم سیمیری غلامی، فرحناز نیکخو، شیرین سعیدی، پروین میرآسان، پخشان عزیزی،

وریشه مرادی، نسیمه اسلام‌زهی و صدیقه و سمقی، زنانی هستند که به صورت بلاتکلیف در اوین زندانی هستند.

از میان این افراد، نسیم سیمیری غلامی، پخشان عزیزی و وریشه مرادی با اتهاماتی از جمله بگی مواجه هستند که می‌تواند به صدور احکام سنگین برای آنها منجر شود.

پروین میرآسان در آبان ۱۴۰۱ / نوامبر ۲۰۲۲ هم‌زمان با خیزش سراسری به دست نیروهای امنیتی بازداشت شده و با گذشت بیش از ۱۷ ماه همچنان به صورت بلاتکلیف زندانی است.

فرحناز نیکخو، زن زندانی ۵۰ ساله است که هم‌زمان با خیزش انقلابی در آذرماه ۱۴۰۱

دسامبر ۲۰۲۲ بازداشت شده و با گذشت نزدیک به ۱۷ ماه همچنان در زندان اوین بلاتکلیف است.

صدیقه وسمقی از ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ / ۱۶ مارس ۲۰۲۴ در بند زنان زندان اوین زندانی شده و همچنان بلاتکلیف است.

شیرین سعیدی، روزنامه‌نگار در دی‌ماه ۱۴۰۲ / ژانویه ۲۰۲۴ بازداشت شده و با گذشت بیش از سه ماه و نیم از زمان بازداشت، همچنان بدون برگزاری جلسه دادگاه و صدور حکم زندانی است.

نسیمه اسلام‌زهی هم در شهریور ۱۴۰۲ / سپتامبر ۲۰۲۳ به همراه همسرش و دختر یک‌ساله‌شان به ظن عضویت در گروه داعش بازداشت شده‌اند.

این زن ۴۰ ساله که در حال حاضر فرزند دومش را باردار است در تاریخ ۱۴ اسفند ۱۴۰۲ / ۴ مارس ۲۰۲۴ پس از حدود شش ماه بازداشت در بند ۲۰۹ زندان اوین به بند زنان این زندان منتقل شده و در بازجویی‌ها به او گفته‌اند فرزند اولش را به یک خانواده شیعه سپرده‌اند.

محرومیت از درمان

از میان ۶۵ زن زندانی سیاسی و عقیدتی در زندان اوین، سمانه نوروز مرادی، راحله راحی‌پور، پروین میرآسان، مهوش ثابت، نسرين خضری جوادى، ناهید تقوی، فرح نساجی و صدیقه وسمقی از رسیدگی مناسب پزشکی محروم هستند.

سمانه نوروز مرادی از بیماری‌های لوپوس مفصلی، سرطان پیشرفته سینه و دیابت رنج می‌برد.

راحله راحمی‌پور که حکم حبسش با وجود داشتن بیماری مغزی اجرا شده و در ایام تحمل حبس بارها به بهداری زندان منتقل شده و وضعیت مناسبی ندارد.

این زن زندانی حدود ۷۰ سال دارد و از رسیدگی پزشکی مناسب در زندان و اعزام به بیمارستان محروم مانده است.

[پروین میرآسان](#) هم چند بار سابقه سکته دارد و از بیماری پارکینسون رنج می‌برد.

[مهوش شهریاری ثابت](#)، شهروند بهائی زندانی، نسرین خضری جوادی، فعال کارگری و [ناهید](#)

[تقوی](#)، زندانی ۶۸ ساله ایرانی-آلمانی با وجود وضعیت نامناسب جسمی از رسیدگی پزشکی محروم مانده‌اند.

این سه زن از بیماری حاد مفاصل و استخوان رنج می‌برند و از میان آن‌ها، ناهید تقوی و نسرین جوادی به صورت مرتب آمپول‌های کورتن مصرف می‌کنند.

فرح نساجی بیش از ۶۰ سال سن دارد و از بیماری‌های همچون آسم رنج می‌برد.

صدیقه و سمقی، نویسنده، اسلام‌پژوه و از منتقدان حجاب اجباری، با وجود ضعف شدید بینایی و فشار مضاعفی که تحمل می‌کند، همچنان در زندان اوین به سر می‌برد.

ایران اینترنشنال، روز سه‌شنبه ۱۴ فروردین ۲/۱۴۰۳ آوریل ۲۰۲۴ در گزارشی خبر داد که این زن زندانی به صورت اورژانسی به بیمارستانی در تهران منتقل شد.

در این گزارش آمده بود مسوولان زندان پس از بالا رفتن ضربان قلب و فشار خون و سمقی و وخیم شدن وضعیت او، این زندانی عقیدتی-سیاسی را به بیمارستان اعزام کردند.

برخی دیگر از زنان زندانی همچون نرگس محمدی با وجود نیاز مبرم به درمان و رسیدگی پزشکی مناسب همچنان در اوین زندانی هستند.

در سال‌های گذشته گزارش‌های بسیاری درباره عدم رسیدگی پزشکی به زندانیان سیاسی در ایران و زیر پا گذاشتن حق دسترسی آنان به درمان مناسب از سوی مسوولان زندان‌ها منتشر شده است.

طی این سال‌ها زندانیان سیاسی زیادی در زندان جان خود را از دست دادند اما جمهوری اسلامی هیچ مسوولیتی در قبال مرگ آن‌ها که به دلیل فشار، شکنجه و ارائه ندادن خدمات پزشکی بود، نپذیرفت.

تحمل حبس برای عقیده و اعتراض به وضع موجود

سپیده کشاورز، مهوش عدالتی، شادی شهیدزاده، فریبا کمال‌آبادی و مهوش شهریاری ثابت از شهروندانی هستند که به دلیل بهائی بودن زندانی شده‌اند و ایام حبس خود را در اوین می‌گذرانند.

[نرگس محمدی](#)، فعال حقوق بشر و برنده جایزه نوبل صلح ۲۰۲۳ یکی دیگر از زنان زندانی در بن زندان اوین است.

او آخرین بار در آبان ۱۴۰۰ بازداشت شد و از آن زمان تاکنون در پرونده‌های مختلف مجموعاً به ۱۲ سال و سه ماه زندان، ۱۵۴ ضربه شلاق، چهار ماه رفتگری و نظافت خیابان‌ها، دو سال ممنوع الخروجی، دو سال منع استفاده از تلفن هوشمند، دو فقره جزای نقدی، محرومیت‌های اجتماعی و سیاسی و تبعید محکوم شده است.

[گلرخ ایرایی](#)، سارینا جهانی، کبری بیکی، سحر مختاری، [هستی امیری](#) و [فائزه هاشمی](#) تعدادی از زندانیانی هستند که به دلیل حضور در خیزش انقلابی ۱۴۰۱ و اعتراض به سرکوب مردم در جریان اعتراضات زندانی شده‌اند.

معصومه (اکرم) اکبری به دلیل شرکت در اعتراضات سال ۱۳۹۷ زندانی شده و برخی دیگر همچون سعیده (سمیرا) سعیدی و لیان درویش به دلیل فعالیت در فضای مجازی به حبس محکوم شده‌اند.

مرضیه جانی‌پور، معلم بازنشسته به اتهام عضویت در یکی از گروه‌های عرفان و ادیان نوظهور و ندا فتوحی و مولود حسین‌دوست به دلیل عضویت در گروه عرفان حلقه زندانی شده‌اند.

سپیده کاشانی و نیلوفر بیانی از فعالین محیط زیست زندانی هستند و مینا خواجوی و لاله ساعتی به دلیل مسیحی بودن زندانی هستند.

[فروغ تقی‌پور](#)، طاهره (فرشته) نوری، شیوا اسماعیلی، پروین میرآسان، سودابه فخارزاده، [مرضیه فارسی](#)، [زهره صفایی](#)، آذر کوروندی، زینب همرنگ، الهه فولادی، نسرين روشن، ریحانه انصاری‌نژاد، [آنیشا اسداللهی](#)، [سها مرتضایی](#)، [نسرين خضری جوادى](#)، [سپیده قلیان](#)، [سروناز احمدی](#)، ناهید خداجو، سمانه اصغری، سکینه پروانه، [مریم یحیوی](#)، مریم حاج‌حسینی و [ویدا ربانی](#)، [روزنامه‌نگار](#) با اتهامات سیاسی بازداشت و زندانی شده‌اند.

[محبوبه رضایی](#)، نرگس منصوری، سمانه نوروز مرادی، رضوانه احمد خان‌بیگی، مهناز طراح، سمیرا نجاتیان، شکیلا منفرد و زهره سرو دیگر زندانیان سیاسی هستند.

یاسمن صبوچی یکی دیگر از زندانیان محبوس در بند زنان اوین است و اطلاعاتی درباره اتهاماتی به محکومیت او منجر شده در دست نیست.

حکم بهاره هدایت که به دلیل شرکت در تجمع اعتراض به سرنگونی پرواز اکراین به حبس محکوم شده و به مرخصی اعزام شده بود، اجرای ادامه حکمش تا ۲۲ فروردین ۱۴۰۳/۲۴/۲۰ دهم آوریل به تعویق افتاده است.

فشارهای امنیتی و قضایی بر ۶۵ زن زندانی سیاسی در زندان اوین

یکشنبه ۱۴۰۳/۰۱/۱۹/۷ آوریل ۲۰۲۴

این تنها گزارشی کوتاه از زندان اوین است و نه صدها زندان مخوف علنی و رسانی و یا غیررسمی و غیرعلنی حکومت اسلامی است.

یک هفته پس از اعلام اعتصاب غذای سپیده قلیان در زندان اوین در اعتراض به حکم نفی بلد در زندان، حالا خانم قلیان با درخواست «سپیده کاشانی»، از زندانیان محیط زیستی که به تازگی پس از شش سال حبس آزاد شد، اعتصابش را شکست.

عالیه مطلبزاده، فعال زنان و مستندساز و زندانی سیاسی سابق با اعلام این خبر در اینستاگرامش نوشت: «خبر خوب، امروز خوشبختانه [RLI] سپیده قلیان [PDI] اعتصاب غذا را بعد از ۷ روز شکست دیروز در تماس تلفنی کوتاهی که داشتیم از او خواستم این هدیه را به دلیل آزادی [RLI] سپیده کاشانی [PDI] به او بدهد تا خوشحالی از آزادی دوستان محیط زیستی توام با نگرانی نباشد.»

خانم قلیان به مناسبت آزادی فعالان محیط زیست زندانی در پیامی از تاثیر حضور سپیده کاشانی بر

خودش و از در خواست این فعال محیط زیست برای شکستن اعتصاب غذایش خبر **داده بود**.

سپیده قلیان در پیامش خطاب به سپیده کاشانی نوشت: «او از من خواسته است که به مناسبت آزادی و به

عنوان هدیه ای من برای آزادیش، برای زندگی، برای زنده ماندن و مقاومت کردن اعتصاب غذایم را

بشکنم. من بسیار از سپیده کاشانی آموختم و بسیار از زنانی چون او آموختم و باور دارم که جمهوری

اسلامی در نهایت با قیام همین زنان می رود.»

این زندانی سیاسی در پایان پیامش به خانم کاشانی نوشت: «سپیده عزیزم زنده می‌مانم و آزادی ایران را باهم جشن می‌گیریم.»

هنگاو؛ شنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۲/۱۰ فوریه ۲۰۲۴

وریشه مرادی، فعال سیاسی، مدافع حقوق زنان و از اعضای کژار (جامعه زنان آزاد شرق کردستان)، توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به "بغی" متهم شد. این اتهام می‌تواند منجر به صدور حکم اعدام علیه این زندانی سیاسی شود که ۱۹۳ روز گذشته را در بازداشت و تحت فشار و شکنجه سپری کرده است.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هنگاو، اخیراً وریشه مرادی، اهل سنندج (سنه) و زندانی سیاسی محبوس در بند زنان زندان اوین، توسط بازپرس شعبه ۵ دادرسی عمومی و انقلاب تهران بابت اتهام "بغی" از طریق عضویت در حزب حیات آزاد کردستان "پژاک" مورد تفهیم قرار گرفت.

پرونده وریشه مرادی معروف به "جوانا سنه" پس از صدور کیفرخواست توسط دادستانی به شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی تهران به ریاست قاضی صلواتی، که یکی از قاضی‌های بدنام می‌باشد، ارجاع داده شده است.

پیشتر هنگاو، طی گزارشی درباره وضعیت وی نوشت شکنجه وریشه مرادی در بازداشتگاه اداره اطلاعات در سنندج به حدی شدید بوده که او در یک مورد خون بالا آورده و به طور کامل بیهوش شده است.

وریشه مرادی روز سه‌شنبه ۵ دی ماه سال جاری، پس از پنج ماه بازداشت در سلول انفرادی از بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین، به بند زنان این زندان منتقل شد.

وریشه مرادی، اواخر مردادماه ۱۴۰۲، اوت ۲۰۲۳ پس از بازجویی و شکنجه در بازداشتگاه اداره اطلاعات سنندج به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده بود.

وریشه مرادی، روز سه‌شنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۴۰۲ (اول آگوست ۲۰۲۳)، در مسیر مریان به سنندج توسط نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات ربوده شده بود. وی در حین ربایش به شدت مورد ضرب و شتم قرار گرفت و بدون رسیدگی پزشکی به بازداشتگاه منتقل شده بود.



هنگاو؛ سه‌شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۲

۷ نوامبر ۲۰۲۳

سهیلا محمدی، زندانی سیاسی کُرد محبوس در زندان مرکزی ارومیه علی‌رغم موافقت قبلی، با کارشکنی مسئولان زندان همچنان از برخورداری از حق مرخصی محروم است. وی طی سه سال گذشته تاکنون چند بار به نشانه اعتراض اقدام به اعتصاب غذا کرده است.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هنگاو، سهیلا محمدی، زندانی سیاسی زن کُرد و اهل سلماس که در بند زنان زندان مرکزی ارومیه محبوس است، نزدیک سه ماه پیش تاکنون وثیقه سنگین دو میلیارد و پانصد میلیونی را برای دریافت مرخصی تامین کرده، با این وجود مسئولان زندان از موافقت با درخواست وی خودداری می‌کنند.

سهیلا محمدی از روز شنبه ۱۴ مرداد ماه سال جاری تا روز ۱۷ همان ماه، اقدام به اعتصاب غذا کرده بود. او به این اعتصاب خود، تحت فشار و با وعده اعطای مرخصی توسط اداره اطلاعات و مسئولان زندان، پایان داده بود.

به گفته منابع هنگاو از زندان ارومیه، سهیلا محمدی به دلیل جدایی سه ساله از فرزند خُردسالش و همچنین فشار نهادهای حکومتی در دوره بازجویی و بازداشت، در وضعیت روانی و جسمانی نگران‌کننده‌ای قرار دارد.

این زندانی سیاسی، علیرغم سپری کردن سه سال از دوران محکومیت پنج ساله خود، همچنان از حق مرخصی و آزادی مشروط محروم است.

قابل ذکر است که، سهیلا محمدی مادر یک فرزند، اسفند ماه سال ۱۴۰۱،/مارس ۲۰۲۳ در پی فشار نهادهای امنیتی حکومت و مانع‌تراشی آن‌ها مقابل اعطای مرخصی و عفو وی، از طریق ضربات چاقو به ناحیه سینه اقدام به خودکشی کرد که در نهایت با اقدام به موقع هم‌بندانش جان سالم به در برد.

این زندانی سیاسی، پاییز ۱۳۹۹ نوامبر ۲۰۲۰ در سلماس توسط نیروهای اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت و پس از چند ماه بازجویی به بند زنان زندان مرکزی ارومیه منتقل شد.

سهیلا محمدی بعدها توسط شعبه یکم دادگاه انقلاب ارومیه به اتهام عضویت در حزب حیات آزاد گوردستان (پژاک) به پنج سال زندان تعزیری محکوم شد و از آن زمان بدون حق استفاده مرخصی در بند زنان زندان مرکزی ارومیه نگهداری می‌شود.

0<https://hengaw.net/fa/news/archive/6254>

زینب جلالیان



تاریخ همیشه زنان آزادیخواه بر علیه رژیم‌های دیکتاتور مبارزه کرده‌اند و این زنان شجاع هشت مارس را هم با خون خودشان در تاریخ به ثبت رسانده‌اند.
ای ستمگران، نظاره‌گر بودید و هستید، دیدید نمی‌شود با قتل عام، شکنجه و

تاریخ همیشه زنان آزادیخواه بر علیه رژیم‌های دیکتاتور مبارزه کرده‌اند و این زنان شجاع هشت مارس را همه با خون خودشان در تاریخ به ثبت رسانده‌اند.

ای ستمگران، نظاره‌گر بودید و هستید دیدید نمی‌شود با قتل عام، شکنجه و زندان یکردن ما زنان، جلوی حق خواهی ما را بگیرد. وقتی یک زن جوهرش با آزادی سرشته شده باشد، هیچ ظلم و زوری نمی‌تواند او را به زانو در بیاورد. من زمانی به این حقیقت پی بردم که در چنگال ستمگران جمهوری اسلامی بودم. لباس هیا مرا بر ری تم پاره کردند، چشم‌هایم را بستند، دست و پایم را بع زنجیر به تخت آنی بستند و شکنجه و حشتناک مرا شروع کردند. با کابل به زیر پاهایم شلاق زدند، پاهایم خیلی وحشتناک ورم کرده و کبود شده بودند. این قدر مرا شکنجه کردند که دیگر هیچ چیز را احساس نمی‌کردم.

تمام تنم بی خس شده بود، دیگر اختیار جسمم را نداشتم، شلورم را خیس کرده بود. آری شمر آور است، اما نمی‌انم برای من یا برای آنانی که این بلاها را سر من آورده بودند

ای وجدان‌های بیدار، حق قضاوت با شماها س، آیا من که آرزویی به‌جز آزادی و برابری بشر ندارم و آنهایی که به خاطر منافع خود این همه شکنجه را بر من اعمال کردند. گناهکارند؟ یا من؟

خودتان قضاوت کنید و من مثل ده سال پیش تن سالمی ندارم و کلیدهای زندان مرا صیقل داده‌اند، وقتی شکنجه‌گران، مرا شکنجه می‌کردند، تنها چیزی که بر این مانده بود، فکر و اعتماد بود و امیدی که به زنان مبارزه و آینده داشتم.

اگر بگویم قلم از نوشتن درد و رنجم قاصر است، مبالغه نکرده‌ام، چون من فقط یک قسمت کمی از شکنجه‌هایم را برای شما بازگو کردم. امیدوارم در این روز عزیز خاطر شما را مکرر نکرده باشم.

گاهی وقت‌ها به این فکر می‌کنم کجای دنیا هستک یا اصلاً مجای زمان گیر کرده‌ام که هر چقدر تلاش می‌کنم راه‌گریزی پیدا نمی‌کنم. آیا حق من این است؟! که شاهد به‌دار کشیدن هم‌نوعان و نزدیکانم باشم و دم‌نزنم؟! عجب روزگاری اس، اگر باد تندی می‌وزید، قلبم از تندی باد می‌لرزید؛ اما امروز این همه بادهای سیاه و ناسوز را چه کنم؟

جنگ، کینه، ریا، قتل، کشتار و شکنجه و این کارهای همگی در عادی ترین زمان انجام می‌گیرد و ستمگران برای هر کدام از جنایات‌های خود دلیلی یا توجیهی دارند و این برای من از همه دردناکتر است.

پس از زنان جسور و فداکار بویید سخنی را که آتش در گفتنش دو دل است. من آروزی مرگ برای هیچ‌کسی حتای ستمگران را ندارم، بیایید با هم ب‌ر علیه ستمگران مبارزه کنیم تا با تلاش‌هایمان، ستمگران را از سرزمین ماریمان بیرون کنیم، تا فردا شرمنده آن زنانی که به خاطر آزادی و برابری، جان عزیزشان را از دست دادند نباشیم.

من زینب هستم، زینب جلالیان، زن کردی که شاهد صدها جنایت جمهوری اسلامی در زندان و شاهد تهمت، اهانت، شکنجه و از همه بدتر، شاهد اعدام ده تا از هم‌بندی‌هایم بوده‌ام. آید دردی بزرگ‌تر از این هست؟ تازه این ظالمان از من می‌[واهند که ابراز پشیمانی بکنم، مگر ممکن است منی که این هم‌ظلم و زور با را با چشمانم دیده‌ام اظهار پشیمانی کنم؟ باور کنید هر وقت ستمگران، ظلم و شکنجه را بر من بیشتر می‌کنند، من جسورتر و مقاومتر می‌شوم.

زنده باد انقلاب

زینب جلالیان¹⁹

زینب جلالیان، فعال سیاسی کرد متولد ۱۳۶۱/ ۱۹۸۲ در روستای دیم قشلاق از توابع شهرستان ماکو واقع در آذربایجان غربی است. همان روستایی که زادگاه «شیرین علم‌هولی» (متولد ۱۳ خرداد ۳/۱۳۶۰ ژون ۱۹۸۱، اعدام شده در ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹) می ۲۰۱۰ نیز بود

زینب جلالیان در تاریخ ۲۰ اسفند ۱۳۸۶ ۱۰ مارس ۲۰۰۸ در اتوبوس کرمانشاه به سنج در نزدیکی ایستگاه بازرسی قازانچی (حوالی شهر کامیاران) توسط مأموران لباس شخصی مسلح دستگیر شد. او بلافاصله پس از دستگیری به بازداشتگاه ستاد خبری اداره‌ی اطلاعات کرمانشاه، مشهور به (بازداشتگاه میدان نفت) منتقل و پس از چند هفته به کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه فرستاده شد. روند دستگیری زینب جلالیان نخستین مرحله از اعمال بی‌قانونی مطلق و سرآغاز پرونده‌سازی‌های امنیتی علیه او بوده است. صحبت از قانون اساسی و ذکر کارشکنی‌های سیستماتیک دستگاه قضایی علیه کارگران، جمعیت گسترده‌ی معترضان، فعالان کارگری، فعالان زنان، معلمان، فعالان محیط زیست و دانشجویان، این مفاد را تنها به اصولی مکتوب در جهت ارجاع حقوقی بدل می‌کند. طبق اصل ۳۲ قانون اساسی: «هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد، مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل، بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت، پرونده مقدماتی به مراجع صالحه قضائی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. متخلف از این اصل، طبق قانون مجازات می‌شود». با نگاهی به این اصل و ماده‌ی ۹ میثاق حقوق مدنی/سیاسی و ماده‌ی ۶ قانون آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، درمی‌یابیم که بازداشت زینب جلالیان نه تنها فاقد هرگونه ارجاع قضائی بوده، بلکه طی مدت بازداشت، هرگز «تفهیم اتهام» نیز نشده است. او پس از دستگیری نیز از جزئیات اتهاماتی که بعدها در دادگاه علیه او سر داده شد بی اطلاع بود و تنها پس از حضور در دادگاه انقلاب کرمانشاه از مجموع پرونده‌سازی‌های امنیتی مطلع شد. قاضی مرادی، رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب کرمانشاه، در ۱۳ آذر ۱۳۸۷ ۳/ دسامبر ۲۰۰۸ او را به اتهام «اقدام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی ایران، عضویت در پژاک، حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز و تجهیزات نظامی و فعالیت تبلیغی به نفع گروه‌های مخالف نظام» به اعدام محکوم کرد. این حکم در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸/۶ می ۲۰۰۹ از سوی قاضی علی‌محمد روشنی، رئیس شعبه چهار دادگاه تجدیدنظر استان کرمانشاه، نیز تأیید شد.

¹⁹https://www.youtube.com/watch?v=F1b1tu5Lh_k

در اسفندماه ۱۳۸۸/مارس ۲۰۱۰، زینب جلالیان را به صورت ناگهانی از بند زنان کانون اصلاح و تربیت کرمانشاه به بند ۲۰۹ زندان اوین تهران منتقل کردند. جابه‌جایی غیرمنتظره‌ای که بدون اطلاع به خانواده و وکیل وی صورت پذیرفت. جلالیان به مدت پنج ماه در بند ۲۰۹ محبوس بود و از طرفی، همزمانی این انتقال با اعدام پنج زندانی سیاسی کرد (فرزاد کمانگر، شیرین علم‌هولی، فرهاد وکیلی، علی حیدریان و مهدی اسلامیان) در ۱۹ اردیبهشت ۹/۱۳۸۹ می ۲۰۱۰ در زندان اوین، نگرانی خانواده‌ی وی پیرامون احتمال اعدام وی را نیز تشدید کرد. در مردادماه ۱۳۸۹ جلالیان را از اوین به زندان دیزل‌آباد کرمانشاه منتقل کردند. آذرماه ۱۳۹۰/دسامبر ۲۰۱۱ در حالی‌که وکلای پرونده در حال تلاش جهت اعاده دادرسی و نقض حکم اعدام از سوی دیوان عالی کشور بودند، به جلالیان و وکلای او اطلاع داده شد که حکم اعدام وی با «عفو» به حبس ابد تغییر کرده است.

در مهرماه ۱۳۹۵/اکتبر ۲۰۱۶، امیرسالار داوودی از تشدید وضعیت نامناسب بینایی موکل خود نیز خبر داده بود. زینب جلالیان سال‌هاست که به ناخنک چشم، تب برفکی، خونریزی معده، ناراحتی قلبی و روده مبتلاست. ناخنک چشم یک ضایعه مثلی است که از سفیدی چشم بر روی سیاهی چشم (قرنیه) کشیده می‌شود، به تدریج تمامی قرنیه را تحت پوشش قرار می‌دهد و منجر به از دست رفتن بینایی خواهد شد. تب برفکی نیز بیماری عفونی دهان و پا است که کنترل آن منوط به واکسیناسیون و مراقبت‌های ویژه‌ی درمانی است. طی سالیان گذشته، وزارت اطلاعات و سازمان امور زندان‌ها از اعطای مرخصی جهت درمان جلالیان به رغم تامین وثیقه‌ی سنگین ۱ میلیارد تومانی از سوی خانواده‌ی او نیز جلوگیری کردند. در تمامی ۱۲ سال گذشته او از حق دسترسی به مرخصی محروم است و حتی با حضور در مراسم خاکسپاری برادرش نیز مخالفت شد. علی‌رغم پیشروی بیماری‌های متعدد، مسئولین زندان با سلب حق دسترسی به درمان در بیرون زندان و بهره‌مندی از پزشکان متخصص، بارها از او خواستند تا به اعترافات دروغین علیه خود بپردازد. چندی پیش در یک مستند پخش شده در شبکه پرس تی وی، نامه‌هایی جعلی از پزشکان و بهداری زندان منتشر شد که خبر از اعزام زینب جلالیان به بیمارستان و رسیدگی پزشکی به وی می‌داد؛ امری که تا کنون صورت نگرفته است. مأموران وزارت اطلاعات شرط اعزام وی به بیمارستان را شرکت در مصاحبه تلویزیونی اعلام کردند. زینب جلالیان به علت تحمل شکنجه‌های فیزیکی از ناحیه‌ی چشم نیز دچار مشکل شده و با اختلال و ضعف بینایی روزشمار حبس ابد خود را می‌گذرانند. فقدان بهداشت در سلول‌های زندان، نبود تغذیه‌ی سالم و کافی و همچنین اثرات شکنجه‌های اعمال شده بر او، خود را به صورت بیماری‌های متعدد نمایان ساخته است. جلالیان از همان ماه‌های نخست بازداشت به بیماری چشمی مبتلا شد که تا کنون، دید او را مختل کرده است. پزشک بهداری دیزل‌آباد به او اعلام کرده بود که چشم آسیب‌دیده‌ی وی می‌بایست جراحی شود، در غیر این صورت، بینایی هر دو چشمش را از دست خواهد داد. تمامی اینها در حالی است که دست‌کم دوبار از پروسه‌ی درمانی او به‌مثابه شکنجه‌ای آشکار بوده

است. بنا به اظهارات جلالیان، دفعاتی که به بهانه‌ی معالجه به بهداری زندان منتقل شده دست‌هایش را با دستبند به تختخواب بهداری بسته و قصد تزریق اجباری دارو داشتند. او نیز به پزشک معالج بهداری گفته است: «من یک زندانی هستم و نباید بدون آگاهی از دلیل تزریق این دارو تحت مداوای تحمیلی قرار بگیرم.»

درکنار روند بیماری‌کشنده و وجود بهداری و پزشک زندان در مقام شکنجه‌گاه و شکنجه‌گر، حق تماس، ملاقات و مرخصی زینب جلالیان نیز با محرومیت و پیش‌شرط‌های امنیتی مواجه است. جلالیان طی مدت حضور خود در بازداشتگاه اطلاعات میدان نفت از تماس و دیدار با خانواده‌ی خود محروم بود. پس از انتقال به کانون اصلاح و تربیت زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، وجود یک مکالمه‌ی ۲ دقیقه‌ای در هفته به تنها راه ارتباطی وی با خانواده‌ی خود تبدیل شده بود. پس از انتقال جلالیان به زندان خوی نیز او کماکان از حق مرخصی خود محروم مانده است. محمد شریف، وکیل دیگر او، چندی پیش اعلام کرد که: «برای دادن مرخصی به زینب جلالیان پیش‌شرط‌هایی همچون مصاحبه تلویزیونی گذاشته‌اند که درخواست آنها از سوی زینب رد شده است.»

خانم محمدی در کتاب "شکنجه سفید" درباره دیدارش با زینب می‌نویسد: "بارها از او خواسته بودند تا مصاحبه کند و بپذیرد که در عملیات مسلحانه بوده و او حاضر به این مصاحبه و گفتن دروغ نبود. من از دیدن زینب و اراده و روحیه بسیار مقاوم او وجهی دیگر از منشوری را دیدم که اراده و استحکام و پافشاری بر باورهای انسان بود".

<https://www.bbc.com/persian/iran-features-60779641>

[k_https://www.youtube.com/watch?v=F1b1tu5Lh](https://www.youtube.com/watch?v=F1b1tu5Lh)

مادر زینب جلالیان را احضار کردند به دادگاه فقط به خاطر اینکه با انتشار این ویدیو خواستار مرخصی برای فرزندش کرده بود. مادر زینب جلالیان زندانی سیاسی محبوس در زندان یزد،

در اعتراض به²⁰

²⁰ <https://www.facebook.com/watch/?v=688250975867135>



هنگاو؛ دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲

پخشان عزیزی، روزنامه‌نگار، مددکار اجتماعی و زندانی سیاسی سابق گرد، توسط دستگاه قضایی جمهوری اسلامی ایران به "بغی" متهم شد. انتساب چنین اتهامی، می‌تواند زمینه‌ساز تحمیل حکم اعدام علیه او شود.

بر اساس گزارش رسیده به سازمان حقوق بشری هنگاو، اخیراً پخشان عزیزی، فارغ‌التحصیل مددکاری اجتماعی، توسط شعبه ۵ بازپرسی دادسرای امنیت اوین، به "بغی" از طریق "عضویت در جمعیت‌های معارض کشور" متهم شده است.

پخشان عزیزی، در مدت ۱۹۳ روز اخیر بازداشت خود، از حقوق ابتدایی خود، شامل دسترسی به وکیل محروم بوده و تحت فشار شدید قرار داشته است.

این روزنامه‌نگار و مددکار اجتماعی، روز ۲۰ آذر ماه سال ۱۴۰۱، از بند ۲۰۹ زندان اوین، موسوم به بازداشتگاه اداره اطلاعات به بند زنان زندان اوین منتقل شد.

پخشان عزیزی، روز ۱۳ مرداد ماه ۱۴۰۲، توسط نیروهای امنیتی در شهرک خرازی شهر تهران توسط ماموران امنیتی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایران بازداشت شد.

پیشتر ههنگاو به نقل از منابع مطلع نوشت همراه با این زندانی سیاسی سابق، چند نفر از اعضای خانواده‌اش نیز بازداشت شده بودند که آن‌ها، پس از چند روز آزاد شدند.

در این حال، شبکه حقوق بشر کردستان نوشت که وب سایت «بی‌تاوان»، متعلق به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۷ آبان، از بازداشت پخشان عزیزی، وریشه مرادی و سیروان محمدرضایی خبر داد.

این وب سایت امنیتی بدون اشاره به تاریخ بازداشت این سه تن، آنها را عضو «پژاک»، حزب حیات آزاد کردستان، معرفی کرده است. به طور معمول، دستگاه‌های امنیتی و قضایی جمهوری اسلامی فعالان مدنی، صنفی، سیاسی و عقیدتی در ایران را به ارتباط با سازمان‌های سیاسی مخالف خود متهم می‌کنند.

اهل مهاباد.

قابل ذکر است که، پخشان عزیزی روز ۲۵ آبان ماه ۱۳۸۸، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹ در تجمع اعتراضی دانشجویان گُرد دانشگاه تهران علیه اعدام زندانیان سیاسی در گُردستان، بازداشت و در نهایت، روز ۲۸ اسفند ماه همان سال ۱۹ مارس ۲۰۱۰، پس از ۴ ماه بازداشت با تودیع وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی آزاد شد.

پخشان عزیزی بعدها به دلیل فشار و تهدید مداوم نهادهای امنیتی از ایران خارج شد و ضمن تحقیقات پیرامون وضعیت زنان در اقلیم گُردستان عراق و گُردستان سوریه، در راستای بهبود این وضعیت، اقداماتی را در قالب مددکاری اجتماعی به انجام رساند.